

قرارداد ضمانت در حقوق انگلستان

Contract of Guarantee

بطوریکه میدانیم در حقوق ایران عقد ضمانت، دین مدیون را بر ذمه ضامن مستقر میکند، بعبارت دیگر نقل ذمه به ذمه.

در حقوق انگلستان قرارداد ضمانت وقتی برای ضامن Surety ایجاد تعهد و تکلیف می کند که بصورت نوشته و کتبی و ممضی بامضای ضامن باشد. در قرارداد ضمانت سه طرف وجود دارد:

۱- دائن. ۲- مدیون Debtor. ۳- شخص ثالث.

شخص ثالث در برابر دائن Creditor متعهد می گردد که اگر مدیون دین خود را نپرداخت وی بپردازد - قرارداد بدو صورت ممکن است تنظیم گردد:

الف - مدیون اصلی مسئول پرداخت دین خود میباشد و مسئولیت ضامن وقتی تحقق می یابد که مدیون اصلی نتواند و یا نخواهد دین خود را بپردازد و تعهد خود را انجام دهد. در اینصورت دائن باید بدو بمدیون مراجعه کند و در صورت استنکاف وی از انجام تعهد، ضامن مسئول پرداخت دین میشود. این قرارداد ضمانت تلقی می گردد.

ب - ممکن است شخصی دین مدیون را بطور مطلق و بلا شرط بذمه بگیرد، در اینصورت قرارداد از صورت ضمانت خارج میشود و شخص ثالث مدیون جدید شناخته میشود و ذمه مدیون اصلی در مقابل دائن بری می گردد. چنین قراردادی لازم نیست بصورت کتبی باشد.

اگر شخصی دوستش را بفروشگاهی معرفی کند و بگوید کالای مورد نیاز او را بدهید و من بهای اجناس فروخته شده را ضمانت می کنم و اگر او نپرداخت من خواهم پرداخت، قرارداد منعقد شده ضمانت تلقی میگردد و طبق قانون وقتی الزام آور می باشد که کتبی و ممضی بامضای ضامن باشد ولی اگر ضمن معرفی دوستش

بفروشگاه اظهار بدارد «کالای مورد نیاز دوستم را باو بدهید بهای آنرا من خواهم پرداخت» در اینصورت قرارداد جنبه ضمانت ندارد و شخصی که از فروشنده جنس خرید کرده است در برابر فروشگاه مسئول نمی باشد بلکه مدیون واقعی شخصی است که پرداخت بهای اجناس را تقبل کرده است؛ چنین قراردادی لازم نیست کتبی باشد چه قرارداد ضمانت محسوب نمی گردد.

این مقررات در مورد تعهدات متقبله شخص ثالث مربوط به وام مدیون بداین در گذشته، حال، آینده و همچنین درباره تعهدات شخص ثالث درباره خسارت ناشی از عمل خلاف بزهکار به طرف زیان دیده نیز قابل اعمال و اجراست. قرارداد ضمانت مثل سایر تعهدات در صورتی ایجاد تکلیف می کند و الزام آور میشود که مقرون به عوض باشد و این عوض معمولاً اعتبار و یا وامی است که از طرف داین به مدیون داده شود والا ذمه شخص ثالث مشغول نمی گردد.

می توان خودداری داین از اعمال فشار بمدیون و تعقیب قانونی برای دریافت طلب خود را عوض تلقی کرد. اگر چه در عقد ضمانت در مقابل تعهدی که شخص ثالث بعهده می گیرد بایستی عوض وجود داشته باشد و همچنین قرارداد باید کتبی باشد و بامضاء متعهد رسیده باشد ولی لازم نیست عوض بصورت نوشته منعکس گردد. این امر از جمله مستثنیاتی است که بر قاعده کلی که مقرر میدارد «قرارداد باید متضمن تمام شرایط مادی باشد» وارد شده است.

مطابق قانون اگر دائن شخصاً یا با شرکت دیگری شخص ثالث را اغوا کند و با فریب کاری او را بامضای قرارداد ضمانت وادار کند و یا اگر بستانکار يك حقیقت مادی را که در تصمیم شخص ثالث به قبول ضمانت و تعهد پرداخت بدهی مدیون مؤثر بوده است از او پوشیده و مخفی کرده باشد در اینصورت مسئولیت او در برابر بستانکار زایل می گردد، همچنین اگر قرار بوده دو نفر مشترکاً پرداخت دین بدهکار را تضمین کنند و یکی از دو نفر از امضاء قرارداد ضمانت امتناع نماید دیگری که قرارداد را امضاء کرده است مسئولیتی در این باره نخواهد داشت. اگر داین و مدیون شرایط قرارداد اصلی را بهر نحوی تغییر دهند ذمه ضامن بری می گردد. برای مثال اگر آ صد لیره با بهره ۵٪ به ب وام بدهد و ت پرداخت وام را تضمین کند هرگاه آ بدون اطلاع ضامن ۵۰ لیره دیگر به ب بدهد مشروط بر آنکه ب بهره صد و پنجاه لیره دین خود را از قرار ۶٪ به بستانکار بپردازد در اینصورت چون داین و مدیون شرایط قرارداد منعقد شده بین خود را با توجه بآنچه تضمین شده است (بهره ۵٪ تضمین شده است) تغییر داده اند ذمه ضامن بری می گردد و مسئولیتی نسبت به پرداخت وام مدیون به داین ندارد مگر آنکه ضامن با تغییرات مذکور رضایت دهد.

اگر داین بموجب قرارداد الزام آوری مهلت بیشتری بمدیون بدهد، ذمه ضامن بری می گردد ولی در صورتیکه داین برای وصول طلب خود از اقدامات قضائی و اعمال فشار به مدیون خودداری کند ذمه ضامن مشغول خواهد بود. ضامن میتواند

از مدیون بخواهد تا شخصاً نسبت به پرداخت بدهی‌اش اقدام کند یا آنکه بدهی مدیون را بپردازد و سپس بعنوان بستانکار او را مورد تعقیب قانونی قرار دهد. در حقوق ایران بموجب ماده ۶۹۸ قانون مدنی پس از ضمانت ذمه مدیون بری میگردد و ضامن در برابر داین مسئول پرداخت دین می‌گردد ولی در قانون انگلستان ضمانت جنبه ضم ذمه بدهنده دارد و مسئولیت مدیون اصلی و ضامن هر دو باقی میماند.

در حقوق انگلستان وقتی عقد ضمانت تحقق می‌یابد که ضامن بگوید اگر مدیون اصلی دین خود را نپردازد او خواهد پرداخت؛ در صورتیکه ماده ۶۹۹ قانون مدنی ایران چنین شرطی را موجب بلا اثر بودن ضمانت میدانند. این اختلاف ناشی از این است که در حقوق ایران ضمانت ذمه مدیون را به ضامن منتقل می‌کند (نقل ذمه بدهنده) اما در حقوق انگلستان ضم ذمه بدهنده مبنای عقد ضمانت می‌باشد. در صورتیکه داین با مدیون سازش کند، ذمه ضامن ساقط می‌شود مگر آنکه داین سریعاً حق خود را علیه ضامن حفظ کند.

ماده ۷۰۹ قانون مدنی ایران مقرر میدارد «ضامن پس از ادای دین می‌تواند به مدیون مراجعه نماید» ولی در قانون انگلستان ضامن می‌تواند از مدیون بخواهد شخصاً دین خود را بپردازد.

در قانون انگلستان هرگاه داین از مدیون وثیقه اضافی بپذیرد «این امر مالا به نفع ضامن است» به مسئولیت ضامن خدشه‌ای وارد نمی‌گردد. ضمانت ضامن در برابر مؤسسات اقتصادی خصوصی با تغییر اعضاء مؤسسه ساقط می‌شود مگر آنکه در موقع انعقاد قرارداد خلاف آن مقرر شده باشد بدین ترتیب اگر حسن از بانک خصوصی مساعده‌ای دریافت کند و حسین بدهی او را تضمین نماید اگر در ترکیب صاحبان بانک تغییری حاصل گردد ذمه ضامن بری می‌گردد مگر آنکه در موقع عقد ضمانت این پیش‌آمد مورد بحث و ذکر قرار گرفته و بطریق دیگر موافقت بعمل آمده باشد. بدیهی است اگر بانک بصورت شرکت باشد این اشکال متصور نخواهد بود و ضمانت ضامن معتبر می‌ماند. ضمانت‌نامه ممکن است به یک معامله یا معاملات متعدد و در زمانهای مختلف مربوط باشد، در صورت دوم آنرا ضمانت مداوم Continuing guarantee می‌نامند. حسن بدهی حساب حسین در یک بانک را تا میزان پانصد لیره اضافه دریافت Overdraft تضمین می‌نماید در این مورد قصد و نیت ضامن اینطور تعبیر میشود که حسین به مقتضای کارش از حساب خود برداشت و پول بحسابش واریز نماید و در هر مورد بتواند معادل ۵۰۰ لیره اضافه بر موجودیش چک صادر نماید و پول دریافت کند. ممکن است حسین زمانی دارای وجوه اضافی و گاهی کسری باشد، در صورت دوم تا زمانی که ضمانت نامه بقوت خود باقی است این تضمین بانک را تا میزان ۵۰۰ لیره در برابر اضافه برداشت حسین تضمین می‌کند بطور کلی ضامن میتواند در هر موقع با اعلام مراتب ببانک ضمانت‌نامه را خاتمه دهد و اضافه برداشت حسین را تا تاریخ تسلیم یادداشت مبنی بر پایان ضمانت

بیانک بپردازد. بدیهی است در هر مورد اضافه برداشت حسین تا ۵۰۰ لیره برای ضامن ایجاد تعهد می‌کند. اگر ضامن فقط يك وام ۵۰۰ لیره‌ای را تضمین نموده باشد مسئولیت او پس از تأدیة آن وام منتفی می‌گردد اگر چه وام جدیدی بهمان مبلغ دوباره بمدیون اعطاء گردد.

گفتیم ضامن میتواند با اعلام مراتب بیانک به ضمانت خود خاتمه دهد، ولی قانون مدنی ایران بموجب ماده ۷۰۱ قرارداد ضمانت را لازم میدانند و هیچیک از ضامن و مضمون له نمی‌توانند ضمانت را باطل کنند مگر آنکه:

۱- مضمون له در موقع انعقاد قرارداد از عدم ملائت ضامن بی‌اطلاع بوده است.

۲- حق لغو در مورد وام مورد تضمین پیش ملغی شده باشد.

۳- شرایط پیش‌بینی شده عملی نشده باشد.

تشخیص اینکه ضمانت جنبه مستمر و دائمی دارد یا فقط شامل يك مورد بخصوص می‌باشد از روی متن قرارداد و توجه باوضاع و احوال معین میشود، و قاضی دادگاه با در نظر گرفتن کلیه جهات نظر میدهد. اگر دو نفر یا بیشتر مشترکاً وامی را تضمین نمایند برائت ذمه یکی از آنان بوسیله داین ذمه سایرین را نیز بری می‌کند. هرگاه چند نفر مشترکاً ضامن شوند و یکی از آنان دین مدیون را پرداخت، میتواند به سایرین مراجعه کند و سهم مساری آنان را در صورتیکه ملائت داشته باشند اخذ کند بدینمعنی که اگر حسن و حسین و تقی مشترکاً وامی را تضمین کنند اگر حسن تمام دین را پرداخت حق دارد دوسوم آنرا بطور مساوی از حسین و تقی اخذ نماید (اگر سهم و تعهد همه مساوی باشد) ولی اگر یکی از آنان برای پرداخت سهم وام مضمون عنه ملائت نداشته باشد نصف مبلغ تأدیة شده از نفر دیگر قابل وصول خواهد بود. - ماده ۷۲۱ قانون مدنی ایران شبیه مقررات مذکور می‌باشد.

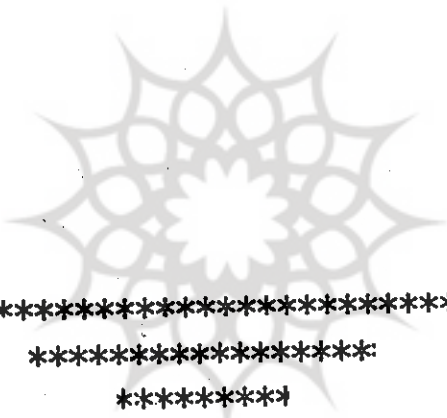
هرگاه در نتیجه عدم پرداخت دین از طرف مدیون ضامن مجبور شود وام بستانکار را بپردازد در اینصورت حقوق داین به‌وی منتقل می‌گردد بنابراین اگر بستانکار گذشته از ضمانت ضامن وثیقه دیگری نیز از مدیون گرفته باشد این وثیقه در اختیار ضامن قرار خواهد گرفت و منافع حاصله از وثیقه متعلق به او خواهد بود: اگر حسن ضامن حسین در برابر علی باشد هرگاه علی گذشته از ضمانت حسن يك حلقه انگشتر الماس بعنوان وثیقه از حسین (بدهکار) گرفته باشد در صورتیکه حسن وام حسین را به‌علی پرداخت نمود حلقه انگشتر الماس تا تأدیة مبلغ وام از طرف بدهکار به ضامن در اختیار او قرار خواهد گرفت.

قرارداد پرداخت خسارت با قرارداد ضمانت شبیه میباشد

گاهی تشخیص اینکه قرارداد منعقد شده ضمانت میباشد یا قبول پرداخت خسارت مشکل می‌باشد؛ در ضمانت قرارداد باید کتبی و ممضی بامضای ضامن باشد ولی در قرارداد پرداخت خسارت که در آن شخصی متعهد می‌گردد ضرر و خسارت شخص

دیگری را که بتقاضای وی وارد معامله‌ای شده است جبران کند چنین قیدی وجود ندارد: حسن با تاجر کالائی مذاکره و موافقت بعمل می‌آید که در ازاء فروش هر تن از کالا به مشتریانی که حسن به تاجر معرفی می‌کند پنج لیره بعنوان حق‌العمل به حسن بدهد و حسن نیز متقابلاً متعهد می‌گردد در صورتیکه مشتریانی که وی به تاجر معرفی می‌کند در پرداخت حساب خود قصور ورزیدند نصف خسارت وارده به تاجر کالا ناشی از عدم پرداخت بهای کالا را جبران نماید و بوی پردازد. در اینصورت ممکن است در نتیجه عدم پرداخت بهای کالا از طرف مشتریان به تاجر، حسن مجبور شود مبلغی به‌عنوان جبران خسارت Indemnity پردازد - در اینمورد اگر چه توافق بعمل آمده شفاهی بوده است برای هر دو طرف الزام‌آور می‌باشد و برخلاف عقد ضمانت لازم نیست موافقت‌نامه کتبی تنظیم شود.

معمولاً در قرارداد ضمانت شخص ضامن در مورد ضمانت نفعی ندارد ولی در قرارداد پرداخت خسارت برای متعهد به جبران خسارت نفعی متصور است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی